



۲۰۲۲/۰۵/۰۴



محمد فقیر

وضعیت اقتصاد مردم افغانستان و راههای بهبود آن

همه اطلاع دارند که جنگ در اوکراین بالای اوضاع اقتصادی جهان تاثیر منفی وارد نمود، از قیمت آرد و روغن گرفته تا منابع انرژی هم بلند رفت. این حادثه (جنگ) توجه جهانیان را بخود جلب و باعث فراموشی افغانستان شد. اقتصاد مردم افغانستان نیز به سبب بحران سیاسی روبه وخامت است، تورم خفیف (که ممکن روبه افزایش باشد)، بیکاری، ترورها و اختطافها، توطئه های همسایگان و همزمان با آن خطر بالقوه جنگها تهدید بزرگی برای اقتصاد و زنده گی عادی در کشور است. باوجودیکه بانک جهانی کمکهایش را که حدود یک میلیارد دالر است، برای افغانستان اعلام و آغاز کرده، همین اکنون طور اوسط میلیون ها دالر طی هر ماه به افغانستان میرسد. این کمک بخاطر مقابله با بحران انسانی در این کشور است. شاید ارسال دالر طبق معاهده ننگین دوسال پیش قطر نیز باشد، که طرف امریکا متعهد به حمایت طالبان شده بود. اما باعث رفاه و ثبات عامه نخواهد شد. معیار رشد و ثبات اقتصادی تولید ملی است. به اساس همین تولید عاید فی نفر (PCI) سنجش و قدرت خرید عامه (PPP) تعیین میگردد. راه مناسب دیگر داشتن پشتوانه قانونی است، تا در زمان ضرورت ارزش و قدرت خرید پول را تضمین نماید، متاسفانه ما هر دو امکان و تضمین را از دست داده ایم. بنا بر باریکی اوضاع نمیتوان مسایل را با جزئیات توضیح نمود، ولی اشاراتی کافی است تا وطنداران ما بدان پی ببرند.

بانک جهانی به عنوان اولین گام برای حمایت از بخشهای معارف، صحت و زراعت و مالداري، و همچنین کمک به رفاه عمومی با تمرکز قوی بر حصول اطمینان از تعلیم دختران و اجازه کار برای زنان، تصمیم ارسال دالر را گرفته و با در نظر داشت اقتصاد اوضاع بشری و مسایل کیفیت را نیز معیار قرار میدهد، اما ارسال پول به تنهایی هیچگاه باعث بهبود زنده گی نمیگردد. همین اکنون احساس کمبود پول افغانی (کرنسی ملی ما) وجود دارد. در افغانستان بنا بر عادات و طرز استعمال و نگهداشت نه چندان خوب بانکوتها زود مندرس و غیر قابل استفاده میگردد. طور اوسط دوره استهلاك بانکوت ده افغانیکی و بیست شاید چهار سال و پنجاه افغانیکی و صد افغانیکی شاید شش سال باشد، اما بانکوت پنجصد و هزار افغانیکی شاید نظر به دوران کم و توجه به نگهداشت آن بیشتر عمر کند، باید سکه و بانکوتهای کوچک (دارای یک صفر) به بازار تزریق گردد، قلت بانکوتهای ده افغانیکی، بیست، و پنجاه افغانیکی در بازار محسوس است. گروه طالب مقدار معتدبه از بانکوتهای مندرس را از دوران روزمره کشیدند، ولی نشر بانکوت جدید و جبران آن از توان گروه حاکم بیرون است. این مسئله را اقتصاد دانان و بانک جهانی بهتر میدانند. از همین رو ایالات متحده امریکا و نماینده خاص آن برای افغانستان در ماه مارچ تصمیم داشتند تا همراه با (IMF) اقدام به چاپ و نشر بانکوت جدید نماید. متاسفانه بنابر دلیل مسدود ساختن مکاتب دختران، ایالات متحده در آخرین لحظات از کمک درین مورد صرف نظر نمود، حتا از تدویر مجلس پلان شده صرف نظر نمودند. همین اکنون امریکا، انگلیس و سایرین کمکهای اقتصادی و بشری را با افغانستان کنار گذاشته، صرف در مسایل استخباراتی و ستراتیژی امنیتی شان با طالب در مشاورت و حمایت پنهانی از آنها قرار دارند. از طرف دیگر افغانها بدون آگاهی از مسایل اقتصادی و روابط فی مابین بانکها و ارزش و طرز نگهداشت پشتوانه، به تبلیغات (گله ها شکایتها) پرداخته اند که گویا ایالات متحده امریکا مبلغ ۹،۶ میلیارد

دارایی افغانها را چپاول نموده و از استرداد آن به مردم افغانستان ابا میوزرد. این موضوع از لحاظ مسلکی و معاملات بانکی طور دیگر و از نظر مشوره های امور بانکی کمیته (BcFs) چیزی دیگر نیست که ضرورت به توضیح طولانی دارد که گنجایش آن درین مختصر وجود ندارد، ولی این ادعای مقامات ایالات متحده که گویا یک قسمت ازین پشتوانه باید برای جبران خساره حادثه ی ۱۱ سپتمبر بازگشتانده شود، بی اساس و بیعدالتی است، چه در حادثه ۱۱ سپتمبر هیچ افغان ملوث نبود و مجریان و طراحان آن اشکار اند. علاوه از آن زمان تاکنون بیست سال سپری شده و هیچ محکمه ی سندی مبنی بر جرم احدی از افغان ارائه نه نموده است. ازینکه بانک مرکزی افغانستان (دافغانستان بانک DAB) فعلاً استقلالیت ندارد و از لحاظ صلاحیت و اجراءات خود مشکوک و در وضعیت مناسب نیست، مدار اعتبار نمیباشد و حتا در سیستم بانکی جهانی اعتبار نداشته مورد توجه نیست. همین اکنون شورای مرکزی، رییس کل و سایر صلاحیت داران در پرده ابهام اند. در چنین وضعیتی ما جهانیان را قطعاً مورد ملامت قرار داده نمیتوانیم. ارزش دارایی و مبلغ ۹،۵ یا ۹،۶ میلیارد دالر نتیجه پس اندازها از کمکهای خارجی بود که دولت قبلی به عنوان پشتوانه آن را در بانکهای بااعتبار ایالات متحده و سایر بانکهای اروپایی (فدرال و سویس...) سپرده بود تقریباً کمتر از ثلث آن مربوط سکتور خصوصی است و به اشکال مختلف؛ مانند: نقد، اسناد بهادار و ارزش وجود دارد. این پشتوانه باید کماکان پابرجا بماند و منحیث دارایی بانک مرکزی افغانستان حفظ گردد، به هیچوجه به کسی تعلیق نپذیرد، گروه حاکم موجود نیز نمیتواند یک پول آن را مالک گردد و یا از نام مردم افغانستان به تصاحب آن تلاش نماید.

وزارت مالیه طالبان با انتشار اعلامیه های مسلسل از ارسال دالر و اقدام بانک جهانی استقبال کرده است، طبعاً این کمکها فوق العاده کمر اینها را بسته نموده است، ولی در مجموع در طولانی مدت به نفع اقتصاد کشور نیست. متأسفانه پاکستان در ادامه تحت تاثیر و قیمومیت قرار دادن و به پیروزی رسانیدن جنگ اقتصادی اش علیه مردم ما، میخواهد زمینه را دوباره به چلش کلدان (دوران در مارکیتهای افغانستان) مساعد سازد، و حتا تصمیم داشت تا پول بسیار معتبر و باکیفیت (از لحاظ کاغذبانکوت) فعلی را از اعتبار ساقط و خودشان پول جدید برای افغانستان نشر نمایند، چنانچه (پاکستان بانک) زمینه را چندین بار ارزیابی نمود، یکی از شرکتهای پاکستانی حاضر به چاپ «پول طالبانی یا «امارتی»» شد، واضح است که چنین پول اعتبار جهانی ندارد و صرف در بازار های داخلی شاید تا حدودی مورد قبول واقع شود، در حالیکه صندوق جهانی آن را نخواهد پذیرفت و با اسعار خارجی قابل تبادل نخواهد بود، ولی الله الحمد که پنجاب تاکنون به این دو هدف خود نرسید. حرکت جنبش آزادیخواهان بلوچ نیز توجه استخبارات پنجاب را تا حدی از کشور ما، بطرف خودشان معطوف کرد و از چین توطئه ها علیه افغانستان باز داشت شده است.

ازینکه گروه حاکمه از تعهدات شان در دوحه با آمریکا سرپیچی نمود، بانک جهانی وسایر کمک کننده ها برای فعلاً کمکهای خود به افغانستان را به حالت تعلیق درآورده و منتظر اند تا ببینند که آیا گروه حاکم حقوق بشر، رعایت آزادیهای مجاز فردی، زمینه سازی تعلیم و آموزش، رعایت قوانین مدنی و غیره مسایل را تا چه حد رعایت مینمایند. تصمیم برای آزادسازی این کمکها در جریان یک بحران انسانی روزافزون که منجر به سوء تغذیه گسترده، گرسنگی و عدم مصئونیت غذایی در سراسر کشور شده، گرفته شده است. متأسفانه درین میان موضوع اوکراین نیز پیش آمد که وضعیت مردم ما را هنوز هم تحت تاثیر آورد.

طی چند ماه اول وزات مالیه ی آمریکا مجوز عمومی را رعایت میکرد که طبق آن به سازمانهای امدادی بین المللی و شرکت های خصوصی اجازه می داد تا معاملات تجاری و مالی با بانک مرکزی و نهادهای دولتی تحت کنترل طالبان را انجام دهند، ولی از لجام گسیختگی گروه حاکم و پشت پا زدن به تعهدات شان در توافقتنامه دوحه اکنون آمریکا از احتیاط کار میگیرد. با وجود تمام این جریانات استخبارات و طراحان ستراتیژیهای منظفوی استعمال گروه حاکم را منحیث یک نیروی ژاندارما برای تحقق اهداف استخبارتی و نظامی و اخلال کننده رقیبان منظفوی شان در نظر دارند تا در موقع مناسب از آنها استفاده نمایند، با وجود آن ظاهراً تحریمهای آمریکا علیه دولت طالبان دوام دارد اما این را نیز وانمود میسازند که آمریکا از حمایت و فعالیت های کمک رسانی به مردم افغانستان جلوگیری نمی کند. ما زمانی در تعجب شدیم، که عده ی از افغانها حتا از اروپا و آمریکا خواهان آن شدند تا ۹،۵ میلیارد دالر پشتوانه ازاد گردد، در حالیکه یک

سنت آن نباید آزاد گردد، زیرا در آن صورت ما پشتوانه پول خود را از دست می‌دهیم. از همه بیشتر یکی از همسایگان خواهان آزادی این ارزش پشتوانه بود، این همسایه میدانند که در صورتیکه گروه حاکم در افغانستان به این ارز دست یابد، ظرف دوسه ماه تمام آن به همسایگان سرازیر و اجناس شان فروخته میشود. چه باید کرد؟

بهرتر است د افغانستان بانک استقلالبيت اش را دوباره احيا و منحيث مسئول سياستهای مالی و پولی رول اش را ادا نموده ، کمبود بانکوت را با نشر جديد پوره نماید، در چلش پول افغانی عوض ربال و تومان ایران و کلدان پاکستان جدیدت بخرچ دهند ، پشتوانه را نه تنها محفوظ بلکه هنوز هم به آن بیافزاید. درین مورد صندوق جهانی پول یا IMF همکار شده میتواند. بانک مرکزی نباید از جمع آوری کذابی و منفعت جویانه پول افغانی از بازار ها غافل بماند، از پولشویی جلوگیری نماید، به پروژه های انکشافی و مولد توجه نموده، دهاقین را حمایت و صادرات کشور را تقویه نماید. طالبان باید بدانند که اگر خود شان به زور شمشیر میخورند ،مینوشند و میپوشند، مردم وملت بیچاره از آبله دست معیشت مینمایند. آن طوریکه رزق برای چری، طالب و ملا رایگان واز خانه دیگران مهیا است و آنها ان را نازل شده از آسمان میدانند ، برای همه چنین میسر نیست، بلکه مردم عادی باید از بام تا شام زحمت بکشند تا لقمه نانی از کار مشروع شان بدست آرند و آنرا با ملا نصف نموده نیم آن را برای اولاد خود جدا نموده نیم آن را به ملا صاحب بدهد، اگر مردم روز تمام کار نکنند این وسیله به اتمام میرسد. حکومتداری امروزه، حکومتداری توام با خدمت و مردمداری است. دولت امروز صرف یک سازمان سراسری غرض خدمت و انکشاف همه جانبه یک مملکت و یک جامعه است. تدابیر علمی و کار ادارات تخصصی یکی از ضروریات است. تعلیم پروسه توقف ناپذیر است، جامعه منحيث یک ارگانیزم زنده نیاز به نفس کشیدن در فضای آزاد و انسانی دارد ، پس گروه حاکم نباید غافل ازین واقعیتها باشد. خصوصاً در مورد پالیسی اقتصادی خود باید از نو تجدید نظر نماید. آزاد سازی ذخایر در بانکهای خارجی و ارسال متواتر دالر به کشور، یگانه راه نیست، افغانستان پوتانیسیل بسیار قوی برای رشد اقتصادی اش دارد، شرط ضروری همانا مدیریت تخصصی، حکومت مُدبر، مشروع و وفادار به منافع ملی است. ابتکار عمل، طرحهای سازنده بر وفق موقعیت جیواکونومیک و جیوپولیتیک کشور از ضرورت عمده است. دوام حالت فعلی سوق کشور بسوی قهقرا و دوام رنجهای مردم است.



برای مطالب دیگر محمد فقیر روی عکس کلیک کنید